



کمیسیون زنان
شورای ملی مقاومت ایران

 wncri.org/fa

 @womenncri

 @womenncri

ژوئیه ۲۰۲۵



7

جنایتی در حال وقوع است
خطر تکرار قتل‌عام
زندانیان سیاسی در ایران



جنایتی در حال وقوع است: خطر تکرار قتل عام زندانیان سیاسی در ایران

خلاصه اجرایی

در ماه‌های اخیر، شدت سرکوب زندانیان سیاسی در ایران به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. گزارش‌های متعدد از داخل کشور نشان می‌دهند که ناپدیدسازی‌های قهری، انتقال‌های خشونت‌آمیز به مکان‌های نامعلوم، شکنجه تحت بازجویی، قطع ارتباط با خانواده و محرومیت از درمان، به صورت سیستماتیک علیه زندانیان سیاسی اعمال می‌شود. این روندها یادآور الگوهایی است که پیش از قتل عام ۳۰ هزار زندانی در سال ۱۳۶۷ در زندان‌های رژیم آخوندی مشاهده شده بود.

از جمله نگران‌کننده‌ترین موارد، انتقال اجباری ده‌ها زندانی سیاسی زن از زندان اوین به زندان قرچک و صدها زندانی سیاسی به زندان مخوف تهران بزرگ است؛ جایی که در شرایطی فاجعه‌بار و غیربهداشتی، بدون دسترسی به خدمات درمانی و حقوق اولیه انسانی، در بازداشت به سر می‌برند. بسیاری از این افراد با بیماری‌های مزمن دست‌وپنجه نرم می‌کنند و جان آن‌ها به طور مستقیم در خطر است. در کنار آن، اعمال تحقیرآمیز علیه خانواده‌های زندانیان، از جمله بازرسی‌های بدنی توهین‌آمیز از زنان و کودکان پیش از ملاقات، بخشی از این سرکوب فراگیر است.

مجموعه این نشانه‌ها حاکی از تدارک یک جنایت بزرگ است که جامعه جهانی نباید در برابر آن سکوت کند. گزارش پیش‌رو، با تمرکز بر وضعیت زندانیان سیاسی—به‌ویژه زنان—خواستار اقدام فوری نهادهای بین‌المللی، اعزام هیأت حقیقت‌یاب مستقل، و مداخله نهادهای حقوق بشری برای جلوگیری از تکرار یک جنایت تاریخی دیگر در زندان‌های ایران است.



با گذشت بیش از سه دهه از قتل عام حدود ۳۰ هزار زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷، بار دیگر نشانه‌هایی نگران‌کننده از وقوع جنایتی مشابه در زندان‌های ایران پدیدار شده است. رژیم ایران طی ماه‌های اخیر، الگوی آشنایی از سرکوب سازمان‌یافته را در پیش گرفته است: ناپدیدسازی قهری، انتقال‌های خشونت‌بار به مکان‌های نامعلوم، شکنجه بازداشت‌شدگان برای اعتراف اجباری، و نگهداری در شرایطی که جان زندانیان را تهدید می‌کند.

این اقدامات صرفاً موارد پراکنده نیستند، بلکه بخشی از یک سیاست هدفمند برای درهم‌شکستن مقاومت و حذف فیزیکی نیروهای مخالف در زندان‌ها به حساب می‌آیند. **رسانه‌های رسمی رژیم ایران آشکارا از تجربه قتل عام ۱۳۶۷ دفاع می‌کنند و خواستار تکرار آن هستند.** به‌عنوان نمونه، خبرگزاری حکومتی فارس در ۱۷ تیر ۱۴۰۴ با افتخار از قتل عام ۱۳۶۷ به‌عنوان «کارنامه‌ای درخشان» یاد کرده و صراحتاً نوشت:

«... امروز زمان تکرار این تجربه موفق تاریخی است... برخلاف تبلیغات شبکه‌های معاند که اعدام‌های سال ۶۷ را ضدحقوق بشری نشان می‌دادند... امروز افکار عمومی جامعه ضرورت چنان برخورد درستی را با شبکه تروریسم داخلی لمس کرده و آن را ارج می‌نهد.»

2

این موضع رسمی حکومتی نه تنها تطهیر گذشته نیست، بلکه زنگ خطر روشنی برای تکرار آن فجایع است—این بار در زندان‌هایی مثل قرچک، فردیس، تهران بزرگ و قزلحصار.

در واکنش به این روند خطرناک، **جمعی از زنان زندانی سیاسی در زندان قرچک با انتشار بیانیه‌ای هشدار** دادند که طرح‌هایی برای ربایش و انتقال اجباری چهره‌های شناخته‌شده مانند سعید ماسوری، علی یونسی و دیگر زندانیان سیاسی در جریان است. آن‌ها تأکید کردند که این اقدامات مقدمه‌سازی برای جنایتی تازه در دل زندان‌هاست و از نهادهای بین‌المللی خواستند در برابر این روند سکوت نکنند. در این بیانیه خطاب به آخوندها آمده است: «مقاومت با خون شهیدان و رنج اسیران در سراسر میهن ریشه دوانده است؛ شما نمی‌توانید آن را تبعید کنید!»

زندانیان سیاسی—از جمله زنان، سالمندان و مادران—در برابر موجی از خشونت هدفمند قرار دارند. انتقال‌های اجباری، قطع تماس با خانواده، فشار برای اعتراف‌گیری تحت شکنجه، و وضعیت‌های وخیم بهداشتی و درمانی، همگی نشانه‌هایی از یک فاجعه قریب‌الوقوع هستند.

این گزارش با تمرکز بر شواهد موجود، به‌ویژه بر وضعیت زنان زندانی سیاسی، بر آن است تا هشدارهای جدی را مستند کرده و خواستار دخالت فوری، قاطع و هماهنگ نهادهای بین‌المللی شود—پیش از آن که بسیار دیر شود.

تحلیل وضعیت

انتقال‌های اجباری و شکنجه برای اعتراف‌گیری

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های آمادگی رژیم ایران برای ارتکاب جنایتی سازمان‌یافته، افزایش موارد ناپدیدسازی، بازجویی‌های همراه با شکنجه، و انتقال اجباری زندانیان سیاسی به مکان‌های نامعلوم است. این اقدامات به‌ویژه در هفته‌های اخیر شدت گرفته و یادآور مرحله‌ی آماده‌سازی برای قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ است.

از جمله پرونده‌های برجسته، وضعیت **ارغوان فلاحی**، زندانی سیاسی ۲۵ ساله، است که پس از انتقال به زندان تهران بزرگ، تحت فشارهای شدید روحی و جسمی در سلول انفرادی نگهداری می‌شود. وی پیش‌تر پس از بازداشت از منزل خود در پرنده، به بند ۲۴۱ زندان اوین منتقل شده بود و ماه‌ها در انفرادی به‌سر برد. تماس‌های کوتاه تلفنی و قطع ارتباط کامل با خانواده، نگرانی‌ها درباره‌ی شکنجه و تهدید به اعتراف اجباری را تشدید کرده است.



زندان‌ی سیاسی زیر شکنجه ارغوان فلاحی

در همین پرونده، سه زندانی سیاسی دیگر—**بیژن کاظمی**، **امیرحسین اکبری منفرد** و **پدرش محمد اکبری منفرد**—نیز به‌همراه ارغوان، در سلول‌های انفرادی تحت شکنجه قرار دارند. مأموران امنیتی این افراد را متهم به دست‌داشتن در ترور دو قاضی بدنام رژیم ملایان، محمد مقیسه و علی رازینی، در ۲۹ دی ۱۴۰۳ کرده‌اند. این سناریوها از سوی نیروهای امنیتی برای ساختن اعترافات اجباری و پرونده‌سازی تبلیغاتی علیه مخالفان نظام طراحی شده است.

همچنین، **علی یونسی**، دانشجوی نخبه دانشگاه صنعتی شریف که سال‌هاست در بازداشت به‌سر می‌برد، در روزهای پایانی خردادماه به‌صورت خشونت‌آمیز از بند ۴ زندان اوین خارج و به مکان نامعلومی منتقل شده است. هنوز هیچ اطلاعات رسمی از محل نگهداری او منتشر نشده.

در یک نمونه دیگر، **سعید ماسوری**، قدیمی‌ترین زندانی سیاسی ایران که بیش از ۲۵ سال بدون یک روز مرخصی در حبس بوده، روز ۲۵ تیر با ضرب و شتم از سوی گارد زندان قزلحصار برای انتقال به مکانی نامعلوم هدف قرار گرفت. این اقدام با مقاومت جمعی زندانیان به طور موقت متوقف شد. ماسوری در نامه‌ای از زندان نوشت:

«آدم ربایی به اسم انتقال تنها معطوف به اینجانب نیست... جنایتی در حال وقوع است و از این رو باید از تن دادن به تبعید اجباری خودداری کرد تا مثل سال ۶۷ قتل عام در سکوت و بی‌خبری صورت نگیرد. بگذار این بار جهان بشنود که جنایتی در حال وقوع است و البته مقاومتی در برابر آن.»

این روند نگران‌کننده، که از سوی رسانه‌های حکومتی نیز با ادبیاتی تهدیدآمیز حمایت می‌شود، نشان می‌دهد که رژیم آخوندی در حال مهیا کردن زمینه روانی و امنیتی برای سرکوبی گسترده و حذف فیزیکی مخالفان سیاسی خود است—آن هم در پشت دیوارهای بسته زندان‌ها و به دور از نظارت بین‌المللی.

در همین زمینه، **گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد** نیز در **بیانیه‌ای روز ۴ ژوئیه ۲۰۲۵** ضمن ابراز نگرانی شدید، اعلام کردند که زندانیان منتقل شده از زندان اوین به زندان‌های قرچک و تهران بزرگ در شرایطی «وخیم و غیرانسانی» نگهداری می‌شوند. آنان هشدار دادند که «سرنوشت و محل نگهداری برخی از این افراد هنوز نامشخص است، که این خود مصداق روشن *ناپدیدسازی قهری* است و آنها را از حمایت‌های قانونی محروم می‌کند.»

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است:

«پس از آتش‌بس، جهان نظاره‌گر است تا ببیند مقامات ایرانی چگونه با مردم خود رفتار می‌کنند. این رفتار، محک واقعی برای سنجش پایبندی ایران به حقوق بشر و حاکمیت قانون خواهد بود.»

«ایران نباید اجازه دهد که تاریخ با تکرار الگوهای تاریک سرکوب، که در دوره‌های پساچنگی گذشته مردمش را ویران کرده‌اند، بار دیگر نوشته شود.»

بیان چنین هشدارهای صریح از سوی نهادهای بین‌المللی، نشانگر وضعیت بحرانی فعلی و لزوم اقدام فوری برای پیشگیری از یک فاجعه دیگر در دل زندان‌های ایران است.

سرکوب سیستماتیک زنان زندانی سیاسی در زندان قرچک

یکی از نمودهای آشکار سیاست سرکوب و حذف، شرایط غیرانسانی‌ای است که رژیم ایران بر زنان زندانی سیاسی تحمیل کرده است. در هفته‌های اخیر، ده‌ها زن زندانی سیاسی که پیش‌تر در زندان اوین نگهداری می‌شدند، به‌طور ناگهانی و بدون اطلاع قبلی، به زندان قرچک ورامین منتقل شدند—زندان بدنامی که شرایط آن حتی بر اساس استانداردهای داخلی ایران نیز غیرقابل قبول است.

در حال حاضر حدود ۶۰ زن زندانی سیاسی در سالنی متروک و غیربهداشتی در قرنطینه زندان قرچک نگهداری می‌شوند. این فضا پیش‌تر برای معتادان استفاده می‌شد و فاقد امکانات اولیه زیستی است: دیوارهایی آلوده، کف پوش‌هایی پر از زباله و فضولات، بوی تعفن دائمی، حضور مداوم موش‌ها و حشرات، و فقدان تهویه مناسب، تنها بخشی از مشکلات این محل است. زندانیان با تلاش شخصی سعی کرده‌اند محیط را تا حدی تمیز کنند، اما شرایط به‌طور کلی همچنان فاجعه‌بار و تهدیدی جدی برای سلامت جسمی و روانی آنان است.

ارتباط این زنان با دنیای بیرون تقریباً به‌طور کامل قطع شده است. تماس تلفنی، ملاقات حضوری، دسترسی به کتاب، دارو، مراقبت‌های پزشکی و حتی وسایل شخصی ممنوع یا به‌شدت محدود شده است. برخی از این زنان، به‌ویژه سالمندان و بیماران، ناچارند روی زمین بخوابند؛ چرا که اتاق‌ها فاقد تخت یا حداقل امکانات استقرار هستند. تنها سه سرویس بهداشتی و سه حمام برای کل جمعیت وجود دارد و تهویه نه تنها ناکارآمد است، بلکه بوی تعفن را در فضا پخش می‌کند.

این رفتارها نه تنها مصداق بارز شکنجه سفید (تخریب روانی تدریجی) است، بلکه نقض آشکار کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی، و قواعد سازمان ملل برای رفتار با زندانیان (قواعد نلسون ماندلا) به‌شمار می‌رود.



هدف اصلی از این انتقال‌های خشونت‌بار و شرایط تحمیلی، درهم شکستن روحیه مقاومت زنان زندانی سیاسی، و قطع کامل ارتباط آنان با جامعه و فعالان خارج از زندان است. با این حال، مقاومت زنان در برابر این سرکوب آشکار، حتی در دل زندان قرچک نیز متوقف نشده و نشانه‌هایی از ایستادگی و پیوند مستمر با مبارزه برای آزادی در سراسر کشور را حفظ کرده است.

محرومیت از درمان و مراقبت پزشکی: تهدیدی مستقیم برای جان زنان زندانی سیاسی

شرایط جسمی بسیاری از زنان زندانی سیاسی به واسطه محرومیت از درمان، نبود دسترسی به دارو، و بی‌توجهی عامدانه مسئولان زندان، به سطحی بحرانی رسیده است. این وضعیت، عملاً به معنای شکنجه تدریجی و مرگ خاموش برای زنانی است که بسیاری از آنان با بیماری‌های مزمن، جراحات جسمی، کهولت سن، یا آثار شکنجه دست‌وپنجه نرم می‌کنند. برخی از نمونه‌های مشخص از وخامت این وضعیت عبارتند از:

- **آذر کروندی** که از مشکلات حاد قلبی، شنوایی و دیسک گردن رنج می‌برد، بدون هیچ‌گونه رسیدگی تخصصی، روزبه‌روز در شرایط جسمی وخیم‌تری قرار می‌گیرد.
- **مولود صفایی** نیاز فوری به جراحی فتق دیافراگم دارد و از کاهش شدید بینایی ناشی از آب‌مروارید رنج می‌برد. با وجود تأکید پزشکان بر ضرورت درمان، مرخصی درمانی وی همچنان صادر نشده است.
- **پروین میرآسان** مبتلا به دیابت، پارکینسون، مشکلات روده و مفاصل است، اما از هرگونه خدمات درمانی محروم مانده.
- **راحله راحمی‌پور** و چند زن دیگر که همگی بالای ۷۰ سال سن دارند، در شرایطی بدون دارو و رسیدگی پزشکی نگهداری می‌شوند که حتی حضورشان در فضای غیربهداشتی زندان، به تنهایی تهدیدی جدی برای جانشان محسوب می‌شود.
- **مریم بانو نصیری** دچار آپنه خواب، بیماری‌های ریوی و زخم معده است. قطع دسترسی به داروهای ضروری وضعیت جسمی او را بحرانی کرده.
- **نرگس منصور**، فعال مدنی و زندانی سیاسی، به دنبال انتقال تنبیهی به سلول انفرادی در زندان قرچک دست به اعتصاب غذا زد و دچار تپش قلب شدید شد. نرگس، مادر یک نوجوان ۱۵ ساله، در شرایطی کاملاً خطرناک از نظر جسمی نگهداری می‌شود.



از راست به چپ: مولود صفایی - راحله راحمی پور- نرگس منصوری - آذر کرونندی

همچنین، تعداد قابل توجهی از زنان زندانی مبتلا به بیماری‌هایی چون دیابت، فشار خون بالا، بیماری‌های قلبی، بینایی، کلیوی و تنفسی، بدون دسترسی به دارو و خدمات درمانی، در وضعیت هشدار قرار دارند. این بی‌توجهی آشکار، نه از سر ضعف امکانات بلکه ناشی از تصمیم‌های نامناسب برای فرسایش جسمی و روانی زندانیان سیاسی است — نوعی از شکنجه تدریجی که هدف آن شکستن اراده و حذف خاموش است.

7

از سوی دیگر، **هدی مهرگانفر**، زندانی سیاسی و مهندس الکترونیک که در زندان عادل‌آباد شیراز در بلا تکلیفی نگهداری می‌شود، نیاز فوری به سونوگرافی و درمان برای کیست شکمی دارد، اما نه تنها از خدمات پزشکی خارج از زندان محروم شده، بلکه حتی امکان درمان در داخل زندان نیز برای او فراهم نشده است. وضعیت او، مانند ده‌ها زن دیگر، مصداق روشن «محرومیت عامدانه از درمان» است که طبق قوانین بین‌المللی، شکنجه محسوب می‌شود.



زندان سیاسی هدی مهرگانفر، مهندس الکترونیک

تحقیر و آزار خانواده‌های زندانیان سیاسی: گسترش سرکوب به بیرون از زندان

سیاست سرکوب رژیم ایران تنها به درون زندان‌ها محدود نمی‌شود. در ماه‌های اخیر، خانواده‌های زندانیان سیاسی نیز به‌ویژه در جریان ملاقات‌ها، هدف رفتارهای تحقیرآمیز و خشونت‌بار قرار گرفته‌اند—روشی برای انتقال فشار روانی به بیرون از دیوارهای زندان، و شکستن حلقه حمایت عاطفی و اجتماعی پیرامون زندانیان.

گزارش‌هایی از زندان تهران بزرگ (فشافویه) حاکی از آن است که زنان خانواده‌های زندانیان—مادران، همسران، خواهران و دختران نوجوان—پیش از ملاقات با عزیزانشان، تحت بازرسی‌های بدنی «نامتعارف، وقیحانه و توهین‌آمیز» قرار می‌گیرند. این بازرسی‌ها نه تنها فاقد جاهت قانونی‌اند، بلکه آشکارا با هدف تحقیر و ارباب‌صورت می‌گیرند.

در یکی از تکان‌دهنده‌ترین موارد، دختر ۱۳ ساله‌ای را پیش از ملاقات با پدرش، به‌طور کامل برهنه کرده و تحت بازرسی بدنی تحقیرآمیز قرار دادند. این کودک به شدت شوکه شده و در طول ملاقات با پدرش قادر به صحبت نبوده، تنها اشک می‌ریخته و در سکوت به او نگاه می‌کرده است.

همسر یکی از زندانیان سیاسی گزارش داده: «رفتار برخی مأموران زن هنگام بازرسی همراه با خشونت کلامی، لمس غیرضروری و تحقیر بدنی بوده است؛ طوری که به درگیری لفظی میان خانواده‌ها و مأموران انجامید و فضای ملاقات را به شدت متشنج کرد.»

در واکنش به این رفتارهای غیرانسانی، گروهی از زندانیان سیاسی با امتناع از حضور در آمارگیری روزانه و تجمع اعتراضی در محوطه زندان، دست به اعتراض زدند و هشدار دادند که در صورت تداوم این وضعیت، به اقدامات اعتراضی گسترده‌تری دست خواهند زد.

این رفتارها نه تنها نقض آشکار کرامت انسانی و حقوق خانواده‌هاست، بلکه بخشی از استراتژی سرکوب چندلایه رژیم آخوندی برای منزوی‌سازی کامل زندانیان سیاسی و ایجاد ترس و خفقان در جامعه پیرامون آنان به‌شمار می‌رود.

مقاومت مستمر در داخل زندان‌ها

زنان زندانی با برگزاری مراسم‌هایی مانند گرامیداشت ۱۸ تیر و سر دادن شعارهای اعتراضی، نمادی زنده و تاثیرگذار از استمرار مقاومت علیه سرکوب رژیم ایران هستند. این اقدامات نمادین، علی‌رغم فضای امنیتی و محدودیت‌های شدید، نشان‌دهنده روحیه شکست‌ناپذیر و اراده قوی آنها برای دفاع از حقوق انسانی و آزادی‌های خود است.

یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های این مقاومت طی ماه ژوئیه، برگزاری مراسم ۱۸ تیر در زندان قرچک است؛ مراسمی که در سالروز سرکوب خونین قیام دانشجویی ۱۸ تیر ۱۳۷۸ برگزار شد. زنان زندانی سیاسی با مرور خاطرات تلخ آن روزها، تجلیل و بزرگداشت مقاومت دانشجویان، همبستگی خود را با خانواده‌های قربانیان اعلام کردند.

همچنین در زندان فردیس کرج، در تاریخ ۱۵ تیر ۱۴۰۴، گروهی از زندانیان زن پس از مراسم مذهبی عاشورا، با سر دادن شعارهای اعتراضی مانند «مرگ بر خامنه‌ای» و «لعنت بر خمینی» مخالفت آشکار خود را با رژیم آخوندی اعلام کردند. این اقدام شجاعانه، در برابر تهدیدها و خشونت‌های حکومتی، بار دیگر روحیه رزمنده زنان زندانی را به نمایش گذاشت.

در واکنش به این اعتراضات، رئیس بند زنان زندان فردیس به نام کولیوند، معصومه صنوبری را که به عنوان یکی از نفرات اصلی در این حرکت شناسایی شده بود، به دفتر خود احضار و با خشونت و وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار داد. گزارش‌ها حاکی است که خانم صنوبری پس از بازگشت به بند، با کبودی‌های شدید در صورت و بدن، به سختی توانست بدون کمک دیگران بایستد.

معصومه صنوبری، ۳۷ ساله و مادر یک دختر نوجوان اهل تبریز، یکی از چهره‌های شاخص مقاومت زنان زندانی است. او در جریان قیام سراسری ۱۴۰۱ در کرج بازداشت شد و به اتهام‌های «عضویت در سازمان مجاهدین خلق»، «شرکت در تجمعات غیرقانونی» و «تبلیغ علیه نظام» به ۹ سال حبس محکوم گردید. خانم صنوبری که متهم به رهبری اعتراضات است، حداقل یک سال را در شرایط ایزوله، تحت کنترل و محدودیت‌های شدید گذرانده است.

9



زندانی سیاسی معصومه صنوبری

درخواست‌ها

- نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، گزارشگر ویژه حقوق بشر و شورای حقوق بشر باید فوراً وارد عمل شوند و با اعزام هیئت حقیقت‌یاب به زندانهای رژیم، وضعیت حقوق بشر در ایران را به‌طور مستقل و دقیق بررسی کنند.
- درخواست فوری برای آزادی تمام زندانیان سیاسی یا دسترسی بدون مانع آنها به خدمات بهداشتی، حقوقی و انسانی باید به صورت جدی پیگیری شود.
- جامعه جهانی باید از طریق فشار دیپلماتیک و اقتصادی، رژیم ایران را ملزم به توقف خشونت‌ها و پایان نقض سیستماتیک حقوق بشر و شکنجه و احکام اعدام کند تا زمینه‌ای برای بهبود وضعیت زندانیان و کاهش سرکوب فراهم شود.
- همچنین حمایت از مدافعان حقوق بشر و زندانیان سیاسی از طریق اقدامات بین‌المللی و رسانه‌ای باید افزایش یابد تا صدای آنها جهانی شود و رژیم ملایان نتواند با بی‌توجهی به حقوق انسانی، به سرکوب ادامه دهد.
- با یاری به سایت کمیسیون زنان و انتشارات آن به انعکاس صدای زنان در زنجیر ایران و مبارزه زنان در خط مقدم بر علیه رژیم زن‌ستیز حاکم کمک و یاری برسانید.

